

عنوان مقاله:

پادشاهی میانه و شاهان خراج گزار ایران در متون کلاسیک چینی؛ بررسی یک ادعا

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های تاریخی، دوره 13، شماره 2 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

حمیدرضا پاشازانوس - استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

خلاصه مقاله:

تاریخ نگاری در چین، مانند هر کشور دیگری، از فرهنگ آن کشور متأثر است. در چین دست کم از قرن ها پیش از کنفوسیوس، سنت اساس فرهنگ مردم بود که به طور طبیعی بر اندیشه مورخان چینی نیز تأثیر نهاد. جهان بینی سنتی چین از مهم ترین سنت های تأثیرگذار بر ذهن مورخ چینی است که باوجود تحولات سیاسی و انحطاط سیاسی در برخی دوره های تاریخ چین، همچنان شالوده اصلی نگاه سیاسی چینی هاست. در حالی که کشورهای دیگر نام خود را از اقوام ساکن یا ویژگی خاص سرزمین خود گرفته اند، مردم چین از ابتدای هزاره نخست پیش از میلاد، کشور خود را چون گوا (Zhōngguó)، سرزمین میانه، خوانده اند. وجود این بینش که از فلسفه کیهان پژوهی چین باستان برخاسته بود، باعث شد امپراتوران چین ادعای «خدايگانی» داشته باشند؛ بنابراین کشورهای اطراف را بربر و باج گزار خود می دانستند که باید «بیایند و متحول شوند»؛ برای نمونه، روایت های مورخان چین باستان درباره شاهان اشکانی و پادشاهان پارس و فرمانروایان محلی ایران بر این نکته تأکید می کند که شاهان ایران همواره برای امپراتوران چین هدایایی در حکم پیشکش می فرستادند و حتی در امور مملکتشان از امپراتور یاری و راهنمایی می خواستند. نظر به اهمیت بررسی این ادعا، مقاله حاضر بر آن است با روش خوانش و بررسی و تحلیل گزارش های متون چینی، ابتدا مفهوم چون گوا را تحلیل کند؛ سپس نوع تعامل شاهان ایرانی با حاکمان چین را در متون چینی واکاوی کند و ماهیت این ادعا را بررسی کند. فرض نویسنده این است که مورخان چینی به واسطه اندیشه خودمركزبینی نخبگان چین باستان، از عبارت «پیشکش کردن هدایا» فقط با هدف تأکید بر جایگاه «خداگونه امپراتور در سرزمین میانه» استفاده می کردند.

کلمات کلیدی:

پادشاهی میانه، ایران، چین، تاریخ نویسی، جهان بینی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1363022>

